



تصویر ساز: پیمان رحیمی زاده

بیشتر مردم از هم‌قطاران جاه‌طلب خود در هر اس‌اند؛ کسانی که برای چیران ضعف در کمبودهای خود در رسیدن به مقاماتی که می‌خواهند شدیداً تلاش می‌کنند. واقعا اگر این افراد جاه‌طلب، به همان اندازه که خود فکر می‌کنند با استعداد باشند، می‌توانند با ارزش‌ترین همکاران شما باشند؟ شما می‌توانید به رقابت با نقاط مثبت و محاسن آن‌ها بپردازید، و از آن‌ها جلو بزنید. افراد واقعا خطرناک در تشکیلات شما هرگز جاه‌طلبی خود را بروز نمی‌دهند. آن‌ها دستور - جلسه‌محرمانه‌ای دارند که عنوان آن، بر شما و یا شاید بر خودشان هم پوشیده است؛ دستوری که اولین و مهم‌ترین مسأله‌اش «بقای نفس» است. آن‌ها مثل چرمی شبیر نیستند که با زدن شبیر، روی آن جمع شوند، آن‌ها به شدت سعی می‌کنند پنهان بمانند و مطرح نشوند. این گونه آدم‌ها را در هر تشکیلاتی می‌توان دید. اما شاید در تشکیلات شما کمتر یافت شوند ولی شناختن آن‌ها و علم به این گونه افراد می‌تواند امنیت ذهنی و سازمانی تان را افزایش دهد. در ذیل به ۷ گونه خطرناک آن‌ها اشاره شده است. بهتر است این مطلب را ابتدا مدیران مناطق و رؤسای سازمان‌ها بخوانند.

دکتر حیدر تورانی

هفت نفر از خطرناک‌ترین افراد در سازمان شما

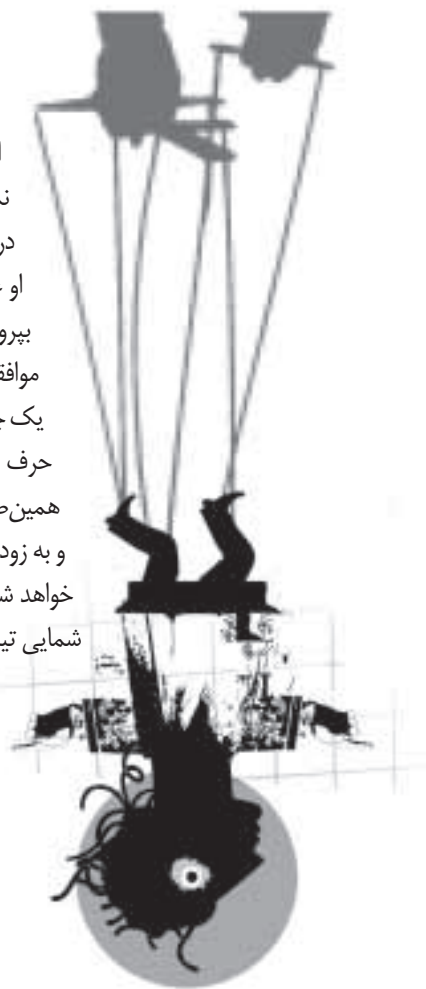
مقاله‌های علمی - کاربردی

۱. آدمی که می‌گوید: «هر کاری بخواهید برایتان انجام می‌دهم.»
او قول‌هایی می‌دهد که فکر می‌کند شما خواهان شنیدنشان هستید، ولی هرگز نمی‌تواند آن‌ها را عملی کند، او می‌گوید که می‌تواند شما را با یک مقام یا جایگاه خوب مرتبط کند و در حالی که شما خود را برای آشنایی با یک مقام رسمی ذی‌نفوذ فرضی آماده می‌کنید، او برای عدم توفیق خود در تحقق بخشیدن به قولی که داده، عذر و بهانه می‌تراشد. تلاش کنیم برای یک بار هم به چنگ این‌گونه آدم‌ها نیفتیم، ولی اگر دفعات بعدی در دام این‌ها بیفتیم، هیچ عذری نخواهیم داشت.

۲. آدمی که مدعی است همه چیز را می‌داند.
این‌گونه آدم‌ها، به زعم خود، دایرة‌المعارف متحرکی هستند که هر چیزی را لااقل یک بار دیده، شنیده یا تجربه کرده‌اند. هیچ چیزی برای آن‌ها تازگی ندارد. این جور آدم‌ها به «کعب‌الاجبار» سازمان خود شهرت دارند. ولی باید حواستان را جمع کنید که می‌توانند شما را گول بزنند. آن‌ها مغز یک کامپیوتر سریع، اعتمادبه‌نفس یک قهرمان و حس ششم یک مار را دارند. تنها عباراتی که نمی‌توان در قاموسشان یافت عبارتند از «به کمک نیاز دارم»، «اشتباه کردم» و «نمی‌دانم». آن‌ها یک سری نظریات کلی و قالبی (کلیشه‌ای) دارند. اگر از آن‌ها مشاوره‌ای بخواهید، به سوابق و نمونه‌هایی استشهد می‌کنند که احیاناً به گمراهی تان منجر می‌شود.

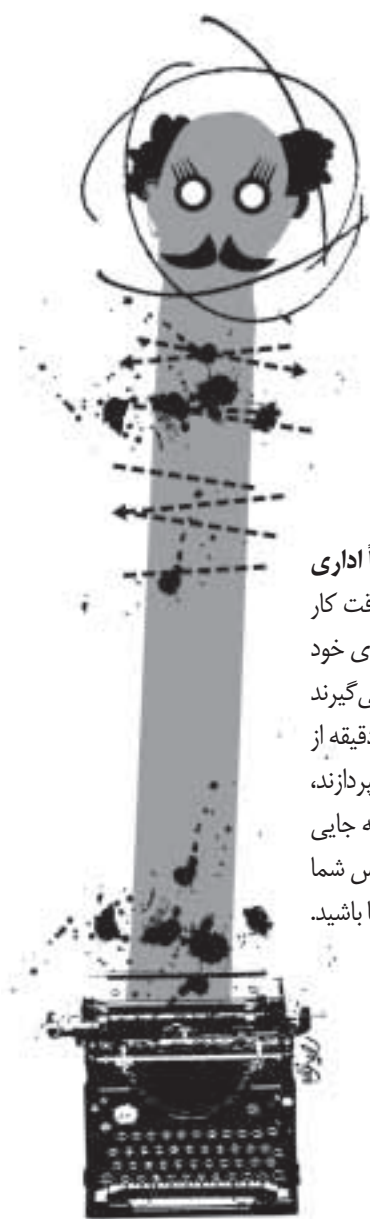
۳. مافوق همیشه موافق

او برای هر پیشنهادی یک کلمه امیدبخش و دلگرم‌کننده دارد، زیرا نمی‌خواهد خلاقیت و قوه آفرینندگی را در افراد خاموش کند. عبارات مورد علاقه او عبارت‌اند از «موافقم و بگذار آن را به‌روانیم» و متأسفانه این پایان کار است. موافقت او هر پیشنهادی را در بر می‌گیرد، لذا یک چنین موافقتی عملاً بی‌معناست. اگر به حرف او گوش کنید که می‌گوید: «بارک‌الله، همین‌طور ادامه بده»، وقت خود را هدر داده‌اید و به زودی بایگانی شما پر از پروژه‌های ناقصی خواهد شد که اگر بتواند آن‌ها را به یاد بیاورد، شمایی تیره و تار از آن‌ها خواهد داشت.



۴. آدم‌های صرفاً اداری

رؤسا معمولاً این آدم‌ها را دوست دارند. آن‌ها تا دیر وقت کار می‌کنند، روی هر مسئله جزئی سرو صدا راه می‌اندازند و برای خود استانداردهای بالایی در نظر می‌گیرند. البته مسائل را آسان می‌گیرند و تنها روی مسائل جزئی و بی‌اهمیت حساس‌اند. در هر دقیقه از روز، چه گیره‌های کاغذ را بشمرند و چه به حساب و کتاب بپردازند، خر خود را می‌رانند و کاری ندارند که اصلاً حرکتی دارند و به جایی می‌رسند یا نه. در بوروکراسی پیشرفت می‌کنند و غالباً رئیس شما می‌شوند. مواظب آن‌ها باشید.



۵. آدم‌های بی استعداد ذاتی

این‌گونه آدم‌ها به درد هیچ کاری نمی‌خورند. آن‌ها از راه انداختن و استفاده از دستگاه فتوکپی و یا قوری چای عاجزند (و گاه از شما کمک می‌خواهند) لذا به طریق اولی نمی‌توانند کار کردن با کامپیوتر را یاد بگیرند و سیستم شما را کندتر می‌کنند. از عهده کنار آمدن با یک همکار یا ارباب رجوع معمولی بر نمی‌آیند و آن‌ها را معمولاً به شما حواله می‌دهند. آن‌ها برای هر چیز مطمئنی در دسترس‌اند و در غیر آن صورت غایب.



۶. محرم راز و یار دمساز

او در هر کاری فضولی می‌کند، خیلی حرف می‌زند و کار همیشه‌اش بدگویی، یاهه سرایی و پرگویی است. وقتی به شما می‌گوید: «می‌توانم سر نگهدار باشم، قطعاً بدانید که نمی‌تواند. او برای هر بخش از اطلاعاتی که از شما بیرون می‌کشد، گویی مجبور است بخشی از اسرار دیگران را افشا کند. اگر نزد شما به بازگو کردن اعترافات و اسرار دیگران علاقه‌مند است، درباره شما و اسرار شما به دیگران چه خواهد گفت؟»

۷. آدم‌های بی استعداد مقطعی

بزرگ‌ترین استعداد این‌ها در استخدام شدن و کار گرفتن است. دومین استعداد شگرفشان هدف‌گیری نقاط کور شما با چرب‌زبانی است. این‌ها را به ندرت می‌توان شناخت، مگر وقتی که خیلی دیر شده باشد! ■

